

گفت و گوی صبا با عوامل نمایش «حقایق درباره سگ‌ها و گربه‌ها»

آپارتمان‌هایی

که خلق را

تنگ و ترش

می‌کنند



مریم عظیمی
گفت و گو

محمد هادی عطایی، بازیگر و کارگردان تئاتر، این روزها نمایش «حقایق درباره سگ‌ها و گربه‌ها» را روی صحنه سالن سایه تئاتر شهر دارد. او به همراه ویدا جوان بازیگران نمایش هستند که به یکی از دغدغه‌های جامعه امروز ایران می‌پردازد اما هادی عطایی در عین حال دل پر دردی هم دارد از همین رو به بهانه اجرای این نمایش با او گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم تا از ورود بازیگران تئاتر به سینما و تلویزیون و موفقیت آنها در عرصه تصویر سخن بگوید. کارگردان نمایش حقایق درباره سگ‌ها و گربه‌ها به استفاده از بازیگران تلویزیون در تئاتر معترض بوده و معتقد است که این بازیگران در دوران بیکاری خود وارد تئاتر شده و بعضاً دستمزدهایی بالاتر از اهالی تئاتر می‌گیرند که با هیچ معیاری همخوانی ندارد. او نمایش جدید خود را اثری در سنت‌های خانوادگی می‌داند، آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگویی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش است.

محمد منعم:

نمایشنامه‌ای، هدیه روزگار قرنطینه

از روند شکل‌گیری و نوشتن این نمایشنامه بگویید.

حقایق درباره سگ‌ها و گربه‌ها را در روزهای قرنطینه کرونا نوشته‌ام. طبیعتاً در آن روزها بیشتر می‌خواندم چون وقت بیشتری داشتم. کمی هم عذاب وجدان داشتم که چرا من می‌توانم بخوانم و ببینم و بنویسم در این شرایط، اما هستند کسانی که اگر یک روز بیرون نروند باید شب را گرسنه سر کنند. هر چند ممکن است این پرسش نیز پیش کشیده شود که چرا عذاب وجدان؟ مگر مسئولیتی داری؟ و خوب نه ندارم و نمی‌دانم چرا عذاب وجدان داشتم. به هر حال از کودکی احساس گناه بابت فعالیت‌های لذت‌بخش تقریباً در ما نهادینه شده است. تا مدتی از آنجا که روی یک طرح سریال معمایی کار می‌کردم طبیعتاً بیشتر رمان پلیسی و جاسوسی می‌خواندم. الری کوئین و ژرژ سیمون و جان لوکاره. بعد از سرانجام یافتن طرح پلیسی از آنجا که بلد نیستم یک ماه یا بیشتر مشغول خواندن یک کتاب باشم و ترجیح می‌دهم خواندن یک‌بار کتاب در حداقل نشست‌هاست، کتاب‌های حجیمی که منتظر بوم روزی فرصتی پیش بیاید و بخوانم‌شان را انتخاب کردم. دن کیشوت اولینش بود. خواستم بروم سراغ جنگ و صلح ترسیدم زبان نوشتارم خیلی ترجمه‌ای شود به جایش مشغول شاهنامه شدم. اما از مصرف کالاهای فرهنگی که بگذریم و به تولید برسیم باید بگویم، روزهای ابتدایی قرنطینه مقارن بود با روزهای پایانی طراحی سریال معمایی. نمایشنامه «حقایق درباره سگ‌ها و گربه‌ها» مانند مجموعه نمایشنامه‌هایی که اصطلاحاً خوش‌ساخت نامیده می‌شوند و تمرکزشان بر تکنیک‌های روایت و درام‌پردازی در ژانرهای وحشت، پلیسی، معمایی و تریلر هستند بر همین پایه‌ها استوار است. نسخه اولیه این نمایشنامه را سال ۱۳۹۲ نوشتم و یکی دو سال بعد از نگارش نسخه نخست آن یک بار باز نویسی شد، اما اراضی کننده نبود تا اینکه زمان گذشت و بهانه‌ای که پیام لاریان به من داد باعث تمام شدنش شد شاید جمله راضی‌کننده‌تر از قبل شده، انتخاب بهتری باشد چون در پس ذهنم به اجرا کردنش هم فکر می‌کردم. یک نمایشنامه جمع و جور دو نفره. قرار بود یک بار بنشینیم با هوتن شکیبا بخوانیمش که کرونا نگذاشت و شاید هم بهتر شد که نخواندیمش تا نسخه بازنگری شده‌اش را بعداً بخوانیم. این ماند و مشغول کارهای دیگر شدم تا هادی عطایی به صرافت اجرا و کارگردانی این نمایش افتاد. در انتها باید تشکری کنم از ابراهیم عزیزی که نخستین بار او از من خواست این نمایشنامه را بنویسم و تشکری بیشتر از سونیا سنجری و محمد هادی عطایی که با تودهای بداهه در خشان‌شان لحظاتی ناب را رقم زدند که بخش‌هایی از این نمایشنامه مدیون آن‌هاست.

محمد هادی عطایی:

بازیگری در کشور رو به اضمحلال است

چرا به سراغ چنین نمایشنامه‌ای رفتید؟

من به عنوان یک بازیگر و در درجه دوم کارگردان احساس می‌کنم که اگر از جامعه خودم نگویم و نتوانم جامعه خود را چون آینه‌ای بروی صحنه بیاورم هرگز نمی‌توانم حرف جهانی بزنم. برای همین سعی کردیم در این نمایش در سه بخش دو قسمت از زندگی این زوج را بروی صحنه بیاوریم. جالب ماجرا این است که این دو وقتی خارج از خانه هستند و زیر سقف آسمان روابطشان عاشقانه و پر از خنده و اتفاقات زیباست، اما وقتی وارد چهار دیواری زندگی و آپارتمان‌های تنگ و ترش این روزها می‌شوند تازه معضلات‌شان بیرون می‌زند. بسیاری از مخاطبان وقتی از سالن خارج می‌شوند می‌گویند بسیاری از این دیالوگ‌ها را یا شنیده‌ایم یا خودمان گفته‌ایم و این باعث دلگرمی

اقتصادی و بینش فرهنگی اذیت می‌شوند و ما سعی کردیم در نمایشنامه گوشه‌ای از مشکلات را نشان بدهیم و اینکه از خودمان گذشته‌ایم تا به مشکلات مردم برسیم اما این کار به چشم مردم نمی‌آید. دنیای مجازی هم روی زندگی هنرمندان تأثیر گذاشته و آنها را به اضمحلال کشانده است.

شما یک پیشینه تئاتری طولانی دارید این پیشینه بر کار تصویر چه تأثیری دارد؟

به اعتقاد من راه ورود به بازیگری همیشه تئاتر بوده و هست. به همین دلیل است که این روزها سینما و تلویزیون ایران به حضور بازیگران تئاتر در خود مباحث می‌کند. چرا که هر وقت از بازیگران حرف‌های تئاتر این کشور یا حتی دانشجویان تئاتر استفاده کرده، کیف و لذت آن را برده است. در این مدت بچه‌های تئاتر آنقدر باعث افتخار بودند و هستند که تلویزیون ما این نکته را فهمیده و در حال لذت بردن از این موضوع است. این مسئله باعث خوشحالی بوده و امیدوارم ادامه پیدا کند.

انتقادی به مسئله ترنسفر نابازیگر، سلبریتی و چهره‌های بعضاً تلویزیونی به تئاتر داشتید در این مورد بگویید.

من یک شباهت‌هایی بین سیرک و نمایش می‌بینم و یک تفاوتی هم برای آن قائل هستم. شباهت سیرک و نمایش در سرگرم کردن آدم‌ها است. به عنوان مثال شما به سیرک می‌روید که سرگرم شوید، نمایش هم می‌بینید که سرگرم شوید اما رسالت نمایش، ایجاد تفکر و نشان دادن یک دغدغه است. نمی‌توان اسم کارهایی که به سراغ افرادی می‌روند تا به هر قیمتی بلیت بفروشند را تئاتر گذاشت. برخی دوستان به صرف یکسری شوخی و لودگی‌هایی که در فضای مجازی انجام داده‌اند، اکنون خود را آدم‌های معروفی می‌دانند که اجازه راه رفتن در صحنه تئاتر را دارند. کاش این جمله‌گوته فیلسوف شهیر

من، محمد منعم، ویدا جوان و شهاب شریفی است. چون در واقع حرف جامعه را از زبان خودشان به خودشان ارائه می‌دهیم. ما در این نمایش قصد قضاوت نداریم. نمی‌خواهیم بگوییم چه کسی خوب است و چه چیزی بد است. ما می‌گوییم شرایطی از نظر اجتماعی و اقتصادی بوجود آمده و خواسته و ناخواسته بسیاری از خانواده‌ها درگیرش هستند و وقتی مخاطب آن را آشنا می‌یابد باعث دلگرمی ماست که پس سوژه و اتفاق مان را درست انتخاب کرده‌ایم. ما فقط سعی کردیم بگوییم که این اتفاقات در حال رخ دادن است و تلنگری بزنیم و بگوییم شما دچار روزمرگی شده‌اید و گویی حواستان به این اتفاقات نیست. امیدواریم که به اندازه خودمان توانسته باشیم گوشه‌ای از زندگی‌های سخت و تلخ و بعضاً شیرین این روزهای خانواده‌ها را روی صحنه بیاوریم. به اندازه کافی انسان‌ها در اجتماع تحت فشار هستند و وقتی وارد آن آپارتمان‌ها می‌شوند بجای اینکه مراقب هم باشند در واقع حرف یکدیگر را گوش نمی‌دهند و درک نمی‌کنند و این فشارها و سختی‌ها را برای یکدیگر چندین و چند برابر می‌کنند. این نمایش معضلات زندگی یک زوج هنرمند را روایت می‌کند که در شرف بچه‌دار شدن هستند و بسیار شبیه زندگی است. شخصیت‌های نمایش افرادی هستند که از کره مرئی نیامده‌اند و کنار ما زیست می‌کنند و ما آنها را می‌شناسیم. اسم نمایش هم مطابق با مشکلات زوجین توسط نویسنده انتخاب شده است چون در گذشته وقتی که زن و مرد با هم دعوا می‌کردند، دیگران می‌گفتند که مثل سگ و گربه به جان هم افتاده‌اند.

در باره سبک اجرایی این نمایش بگویید.

این نمایش کاملاً ناتورالیستی است و نوع کارگردانی، میزانشن، بازی‌ها، موسیقی، دکور و لباس هم بر همین اساس انتخاب شده است. سعی کردم به همراه ویدا جوان آن روی دیگر زندگی هنرمندان را به تصویر بکشیم. هنرمندان ما به خاطر شرایط کنونی از نظر اجتماعی،